

شرف و وقار در عصر پهلوی

تربیت زیباشناختی ملت در سیاست‌گذاری فرهنگی دولت

عاقلی پور



فهرست

مقدمه	۱۳
فصل اول: پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی اول	۱۹
انجمن آثار ملی؛ مشارکت عامه در کشف و احیاء ذوق	۲۴
مفهوم «ذوق» و «تربیت ملت» نزد محمدعلی فروغی	۲۹
سازمان پرورش افکار؛ تربیت فکر، روح و حس	۳۶
مفهوم «پرورش ذوق» نزد غلامرضا رشید یاسمی	۴۹
فصل دوم: سال‌های بی‌دولتی هنر	۵۳
استالینیست‌ها، ژدانفیست‌ها و ژورنالیست‌ها در جستجوی «بازار ملت»	۶۰
تناقض تربیت توده‌ها و بازار هنر در تئاتر عبدالحسین نوشین	۶۴
داریوش همایون و انقلاب هنری ناسیونال سوسیالیست‌ها در انجمن هنری جام جم	۷۴
تندر تنها و خروس جنگی‌هایی که گفتند: مرگ بر احمقان!	۸۱
فصل سوم: بوروکراسی پرورش ذوق عامه	۸۹
گسترش بوروکراسی فرهنگی پس از انقلاب سفید	۹۶
تفکیک وظایف «وزارت فرهنگ» و تقویض هنر به «وزارت فرهنگ و هنر»	۹۸
تصویب لایحه «انسان‌سازی» تکنوکرات‌ها	۱۰۱
تشکیل شورای عالی فرهنگ و هنر	۱۱۰
جمشید بهنام، جامعه‌شناس ذوق	۱۱۲
«تربیت ذوق و فکر عامه» در سند رسمی «سیاست فرهنگی ایران»	۱۱۶
این سوسن است که می‌خواند!	۱۲۷
اقتراح «نابسامانی فرهنگی»	۱۳۱

فصل چهارم: هزینه پرورش ذوق از درآمد نفت ۱۳۷

- ۱۳۹ بودجه فرهنگی در برنامه‌های عمرانی اول تا سوم (۱۳۲۷-۱۳۴۶)
- ۱۴۰ تفکیک بودجه «هنر» از «فرهنگ» در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)
- ۱۵۰ «تربیت و آموزش هنری جامعه» در برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶)
- ۱۵۲ تلویزیون؛ رسانه پرورش ذوق عامه
- ۱۶۰ تجسم ذوق مترقی در بناها، نهادها و رویدادها
- ۱۷۴ گسترش آموزش هنر و ظهور خودآموخته‌های عصر تحصیلات

فصل پنجم: مسأله «فیلمفارسی» و تربیت زیباشناختی مخاطب عام ۱۸۱

- ۱۸۴ طغرل افشار: فریاد می‌زدم شما به هنر خیانت می‌کنید
- ۱۸۵ «ابتدال» و مصادیق آن
- ۱۸۸ نقد یا همان مبارزه هنری
- ۱۸۹ فستیوال و سینه‌کلوب علیه ابتدال
- ۱۹۱ فرخ غفاری: شروع کردم به نعره‌زدن که ای مردم! سینما فرهنگ است
- ۱۹۴ کانون ملی فیلم؛ انجمن سینمادوستان
- ۱۹۸ تناقض‌های معیشت و پالایش هنر از منفعت مالی
- ۲۰۴ فراسوی مخاطب خاص و مخاطب عام در «جنوب شهر»
- ۲۰۵ هوشنگ کاووسی: باید یک دیکتاتوری هنری بوجود آورد
- ۲۰۷ قطعنامه منتقدان علیه مخاطب عام
- ۲۰۹ استمداد از دولت برای مبارزه با «مبتدل‌پسندی» مخاطب عام
- ۲۱۲ محتشم کاووسی در «اداره نظارت و نمایش»

فصل ششم: مسئله «تئاتر لاله‌زاری» و ادغام آن در سیاست‌گذاری تلویزیون ۲۳۱

- ۲۳۲ امر عامه‌پسند در تئاتر ایران
- ۲۳۹ پرویز ممنون: اگر دولت کمک نکند تئاترهای لاله‌زار تبدیل به کاباره می‌شوند
- ۲۴۵ فرهنگ گلخانه‌ای و نمایش‌های «روحوضی»
- ۲۵۸ گزارش‌های شورای عالی فرهنگ و هنر از تئاترهای لاله‌زاری

منابع و مآخذ ۲۶۷

به جز مغز **مردم** مده‌شان خورش مگر خود بمیرند ازین **پرورش**
فردوسی

چو با **عامه** نشینی مسخ گردی چه جای مسخ یک سر نسخ گردی
شیخ محمود شبستری

ز پی رد و قبول عامه خود را **خر** مکن زان که کار عامه نبود جز خری یا خرخری
سنائی غزنوی

اگر بپرسید چه باید کرد و چاره چیست بی تأمل عرض می‌کنم باید ملت را **تربیت** کرد.
سطری از نامه ناتمام محمدعلی فروغی / حدود سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷

و می‌بینید که به هر سو نظر می‌کنیم، با پدران بی‌شماری روبرو می‌شویم که هیچ یک هدفی جز **ارشاد ملت** ندارند.
سخنرانی منوچهر هزارخانی در «شب‌های نویسندگان و شاعران ایران»؛ انستیتو گوته / ۱۹ مهر ۱۳۵۶

اگر کتابش فروش نرفت می‌گوید مردم نمی‌فهمند، اگر نمایشگاه نقاشی‌اش سوت و کور بماند، باز گناه نفهمی مردم است، اگر نمایشنامه‌اش یا فیلم‌اش با بی‌توجهی یا خشم مردم روبرو شود، باز مرد گناهکارند که ظرایف روح لطیف ایشان و دقایق آثار بی‌بدیلشان را اصلاً متوجه نیستند و نمی‌فهمند. بله، **انگ** نفهمی مردم تنها اسلحه‌ای است که شبه‌هنرمند در تمام صحنه‌های دفاعی به کار می‌برد، ولی این جماعت از خود راضی که ضریب هوش تک تک آدم‌ها و **میزان ذوق هنری تک تک مردم** را نسنجیده‌اند، چه حقی دارند که اینچنین بی‌حرمتی در باره ملت بکنند؟

سخنرانی غلامحسین ساعدی در «شب‌های نویسندگان و شاعران ایران»؛ انستیتو گوته / ۲۱ مهر ۱۳۵۶

به عقیده من باید به طراحی لوازم مصرفی خانواده و به کاربردن هنر در این نوع طراحی‌ها نیز توجه کرد و از این راه **ذوق و سلیقه و درک** مردم را پرورش داد.

فرح دیبا در مراسم افتتاح نمایشگاه «هنر معاصر ایران» در دفتر مخصوص / اردیبهشت ۱۳۵۰

راه راست را **ذوق شما به شما می‌فهماند. هیچ کاری بر خلاف آن نکند (ولو غلط)** زیرا این غلط، طبیعی است.

نیمایوشیچ در «حرف‌های همسایه» / سال ۱۳۲۳

میراث کهن؛ اردشیر محمص. / منبع: کتاب سال کیهان، ۱۳۴۸.

فصل اول

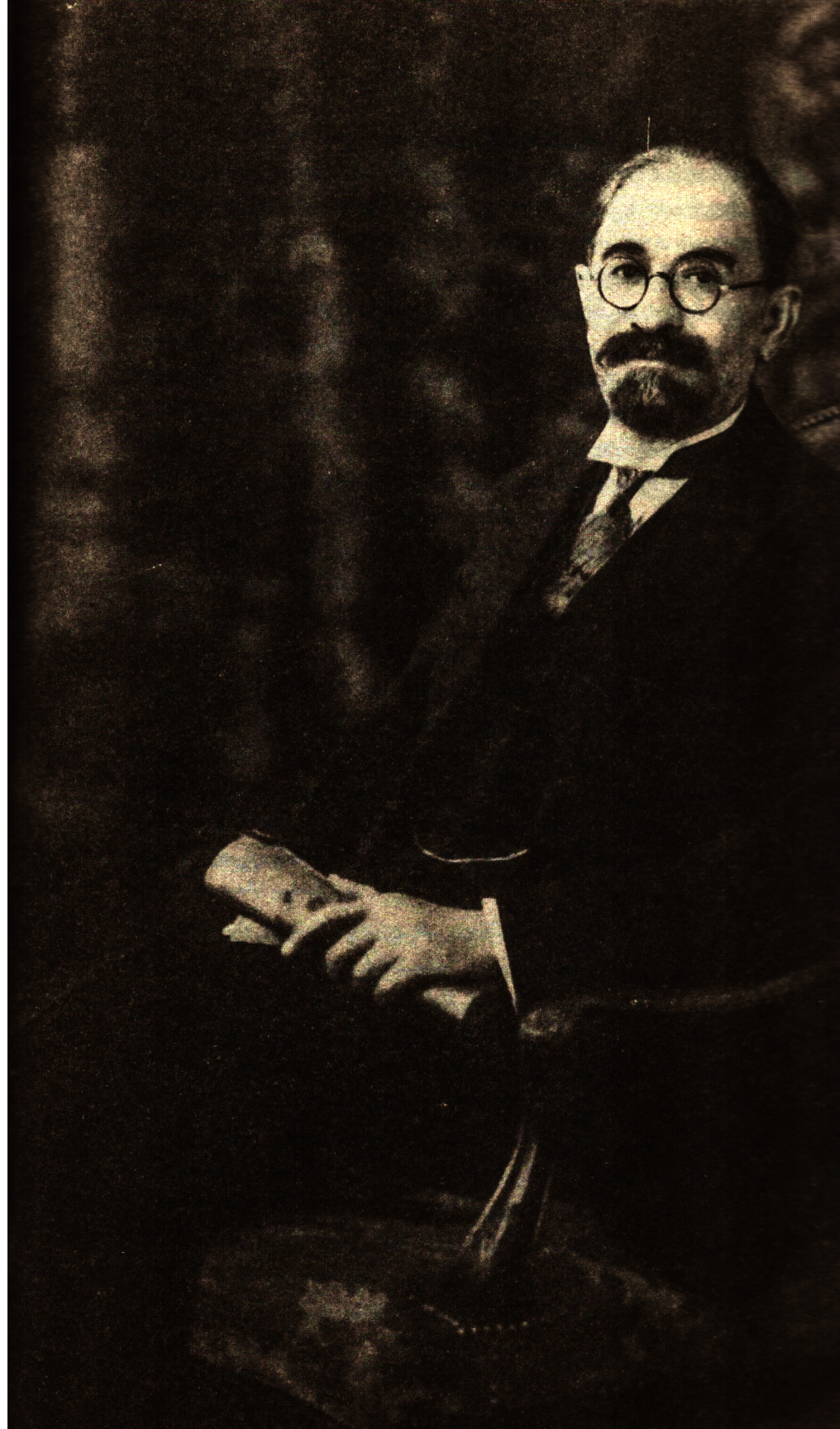
پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی اول

۲۸ شعبان ۱۳۲۸ (۱۲۸۹ ه. ش.) با تصویب «قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه»^۱ در دومین مجلس شورای ملی به ریاست ذکاءالملک (محمدعلی فروغی) کلیه امور اجرایی فرهنگ در یک وزارتخانه متمرکز می‌شود.^۲ این وزارتخانه، همان‌طور که از نام آن بر می‌آید در آغاز قرار بود از هنرها، تا امور اوقاف، آموزش عمومی، اعزام دانشجو به خارج، تأسیس موزه، حفاظت از آثار باستانی و اموال اماکن مقدس، نظارت بر حفاری‌ها، تأسیس کتابخانه، نگهداری از عتیقه‌جات و تأسیس مجامع ادبی و علمی را زیر نظر داشته باشد.^۳ تصویب این قانون در مجلس، نخست منجر به تغییر نام «وزارت علوم و معارف» به عنوان مهمترین نهاد آموزشی عصر مشروطه به «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» شد و سپس امور اوقاف را برای تأمین هزینه‌های آموزش عمومی زیر نظر این وزارتخانه قرار داد و سرانجام «هنر» را به موضوع سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی دولت تبدیل کرد. بنابراین می‌توان تأسیس این وزارتخانه را نقطه آغازی برای تأسیس وزارتخانه‌هایی چون «فرهنگ و هنر» و «آموزش و پرورش» در عصر پهلوی دوم و ده‌ها سازمان، اداره، مدرسه و نهاد خرد دیگر از جمله مدرسه صنایع مستظرفه، اداره موسیقی، هنرستان موسیقی، اداره هنرهای ملی، اداره هنرهای زیبا و... دانست که همگی با تفکیک وظایف وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» شکل گرفتند.

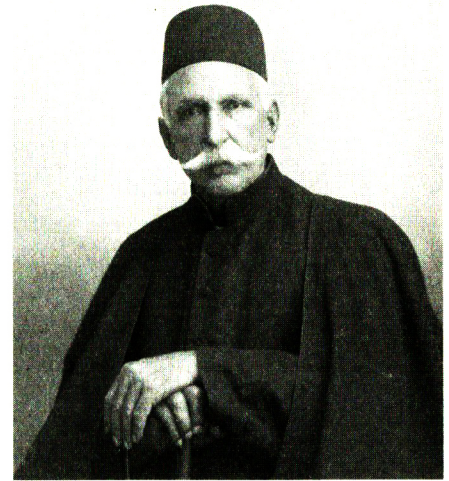
«مدرسه صنایع مستظرفه» به ریاست کمال‌الملک یک سال پس از تصویب همین قانون تأسیس شد (گلبن، ۱۳۷۶: ۱۱) این مدرسه حاصل همکاری و اتفاق نظر دو «دولتمرد»، محمدعلی فروغی (رئیس مجلس شورای ملی وقت) و میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک (وزیر وقت) با کمال‌الملک به عنوان «هنرمند» است. با تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه برای نخستین بار در تاریخ تکوین دولت

۱ برای روند تصویب نگاه کنید به: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسات ۱۳۰ تا ۱۳۷، مورخ ۱۲ تا ۲۸ شعبان ۱۳۲۸.
۲ اقبال یغمایی از نیمه دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ در ماهنامه تعلیم و تربیت، سلسله مقالاتی درباره زندگی، آثار و عملکردهای هر یک از وزرای این وزارتخانه نوشته که می‌توان آن را یکی از منابع مطالعه تاریخ تحولات این وزارتخانه در بحث آموزش عمومی دانست.
۳ این‌ها همه بر عهده «اداره معارف» به عنوان زیرمجموعه این وزارتخانه بود. برای آشنایی با وظایف این اداره و سایر ادارات این وزارتخانه از جمله «اداره اوقاف» و «اداره تعلیم عمومی» نگاه کنید به: مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۳۰، مورخ ۱۳ شعبان ۱۳۲۸ ه. ق.

محمدعلی فروغی / منبع: کتاب گزارش و مجموعه سخنرانی‌های کنگره فردوسی، ۱۳۱۳.



مدرن در ایران، یک «هنرمند» از طریق ارائه لایحه به مجلس شورای ملی به مقامی در بدنه دولت «منصوب» می‌شود، در حالی که پیش از این، هر انتصاب با دستور مستقیم شاه انجام می‌شد، همان‌طور که ابوالحسن خان نقاشباشی از ناصرالدین شاه لقب صنایع‌الملک گرفته و مأمور تأسیس مدرسه نقاشی شده بود (هاشمیان، ۱۳۷۹: ۳۲۱). اما به روایت فروغی، حاصل انتصاب کمال‌الملک جز درگیری و اختلاف نظرهای بسیار میان این هنرمند و دستگاه اداری نیست و در نهایت هم به عزلت‌نشینی کمال‌الملک می‌انجامد. فروغی بعدها از این انتصاب به عنوان «خبط» مشترک خودش، کمال‌الملک و مجموعه دستگاه دولتی یاد می‌کند، زیرا به زعم او این مدرسه دولتی از یک سو برای امور مالی با بوروکراسی وزارت مالیه سر و کار داشت و برای امور نظارتی و یا به بیان آن عصر «تفتیش» هم با وزارت معارف طرف حساب بود، اما «کمال‌الملک مقامات ظاهری و باطنی و حیثیات دنیوی و معنوی خود را بالاتر از همه این اشخاص می‌دانست و طبع بسیار حساس بلکه پرسوءظن نیز داشت. بنابراین در وزارت معارف و مالیه هر کسی نفس می‌کشید، کمال‌الملک گمان می‌برد که می‌خواهند به او ریاست بفروشند و توهین کنند... هر کاغذی از اداره به او می‌رسید متغیر می‌شد و ناسزا می‌گفت و بازنکرده پس می‌فرستاد» (فروغی، ۱۳۷۶: ۹۰-۹۱). فروغی که خود به حکیم‌الملک داده بود تا بتواند هزینه مدرسه را از بودجه مصوب دولت تأمین کند، پس از چندی به این نتیجه رسید که راه‌اندازی یک آتلیه مستقل برای کمال‌الملک و دریافت حقوق برای او مناسب‌تر از ریاست و یا به بیان امروز «معاونت» یک هنرمند در سلسله مراتب دولت است.



کمال‌الملک

در عصر پهلوی اول جز این، باز هم نمونه دیگری از انتصاب یک هنرمند به منظور تسهیل اخذ بودجه دولتی وجود دارد. سال ۱۳۰۷ «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» درخواست انتصاب علینقی وزیر به «ریاست مدرسه موزیک» را به رضاشاه می‌دهد و او نیز موافقت می‌کند. زیرا مدرسه موزیک باید زیر نظر وزارت جنگ نظامی و غیرنظامی داشت و چالش قانون‌گذاری این بود که مدرسه موزیک باید زیر نظر وزارت جنگ باشد یا وزارت معارف، و یا هر دو! با تصویب قانونی در مجلس که اشتغال افراد در دو نهاد دولتی را ممنوع می‌کرد، پرداخت حقوق معلمان با مشکل مواجه شده و عنایت‌الله سمیعی رئیس اداره معارف چاره را در استقلال مدرسه به ریاست علینقی وزیر می‌دانست تا امکان پرداخت حقوق معوقه وزیر و سایر معلمان که «از ادامه تعلیم تعلل می‌ورزند» فراهم شود (معاونت خدمات، ...، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۵). هرچند دلایل انتصاب وزیر با کمال‌الملک تفاوت بسیار دارد، اما از حیث تقدم قانون‌گذاری بر فردیت و آنچه فروغی «حیثیات دنیوی» می‌نامد، بی‌شک به کمال‌الملک نیست.

انتصاب کمال‌الملک به ریاست مدرسه صنایع مستظرفه و انتصاب علینقی وزیر به ریاست مدرسه موزیک پیش از آن که تصدیق شایستگی فردی هنرمند و اقتدار دستوری شاه برای انتصاب رئیس

مدرسه هنری باشد، نشان از اقدامی برای حل معضل قانون‌گذاری در بوروکراسی نوپای آن عصر دارد. از این رو با گسترش وزارتخانه‌ها و تأسیس اداره‌های گوناگون فرهنگی هنرمندان پا به عرصه‌ای می‌گذاشتند که پیش از این سابقه‌ای تاریخی از حضورشان وجود نداشت، زیرا حتی هنرمندی مانند کمال‌الملک نیز پیش از تأسیس آن وزارتخانه، نقاشی حاضر در دربار و حکم نورچشمی ناصرالدین شاه را داشت و پیش از او شاعران و هنرمندان بسیاری در تاریخ ایران همین نقش را در دربار داشتند، نقشی که ایفای آن بسته به حکم شخصی و گاه ذوق شاه بود.

پس از «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه»، «اداره هنرهای ملی» در سال ۱۳۰۹ تأسیس شد که درون آن کارگاه‌های هنر سنتی نظیر قالیبافی شکل گرفت و وظیفه رسیدگی به امور هنرستان موسیقی را هم بر عهده داشت، اما این اداره در آغاز بخشی از «وزارت پیشه و هنر» بود (صفایی، ۱۳۵۶: ۵۹-۶۰). «پیشه و هنر» معادل فارسی فرهنگستان زبان برای وزارت صناعت (یا همان وزارت صنایع امروزی) بود که کارگاه‌های هنر سنتی و هنرستان موسیقی را صرفاً نه به عنوان هنر، بلکه به عنوان شغل یا «پیشه» مدنظر داشت. آن هم در زمانی که «هنر» به معنای امروزی آن هنوز مصطلح نشده و هنر سنتی را در ادبیات رسمی «صنعت» خطاب می‌کردند. بنابراین هنرمندان این اداره پیش از آن که هنرمند به معنای رایج در فرهنگ دوران مدرن ایران باشند، کارمندانی بودند که به «صنعت» در دولت اشتغال داشتند. با این حال «اداره هنرهای زیبا» که با ریاست مهرداد پهلبد^۲ در عصر پهلوی دوم شکل گرفت و بعدها در دولت حسنعلی منصور گسترش یافته و به «وزارت فرهنگ و هنر» تبدیل شد، حاصل گسترش اداره هنرهای ملی است (اکبری، ۱۳۸۲: ۷۱). پهلبد درباره چگونگی شکل‌گیری این اداره گفته است که این اداره، ماحصل کارگاه‌های خاتم‌سازی، آیینه‌کاری، تذهیب و نقاشی بود که در عصر پهلوی اول برای تزئین کاخ مرمر تشکیل شد و هنرمندان آن پس از پایان کار به دستور رضاشاه در استخدام دولت درآمدند تا این هنرهای تزئینی از بین نرود (افخمی، ۱۹۸۴: ۷). بنابراین اداره‌ای چون هنرهای ملی گویی، بیشتر بر حسب اتفاق تأسیس می‌شود تا بر اساس برنامه یا ایده‌ای که بتوان آن را بخشی از ساز و کار اجرایی یک سیاست‌گذاری فرهنگی و هنری منسجم دانست.

در میان اداره‌هایی که دستی بر سیاست‌گذاری برای هنرها دارند، تأسیس «اداره موسیقی»^۳ در سال

۱ «صنعت» نامیدن «هنر» منحصر به ادبیات رسمی نبود، در مقالاتی که علینقی وزیر هنگام اقامت در برلین، به درخواست حسین کاظم‌زاده ایرانشهر برای مجله ایرانشهر در سال ۱۳۰۲ نوشت، مراد از «صنعت»، «مصنوع» و «صانع»، هنوز همان «هنر»، «اثر هنری» و «هنرمند» است و حتی نام کتاب مشهور هنر چیست تولستوی نیز به «صنعت چه چیز است» ترجمه شده بود. نگاه کنید به: وزیر، ۱۳۰۲ الف، ۱۴۶-۱۵۴؛ وزیر، ۱۳۰۲ ب، ۳۰۶-۳۲۰. وزیر را می‌توان نویسنده و مترجم نخستین مقالات تئوریک درباره هنر و زیباشناسی در زبان فارسی دانست که خلاصه‌ای از کتاب‌های *L'Art et la Beaute* از فیلیس شاله (Challaye Félicien) و گزیده‌ای از کتب گوناگون شارل لالو (Charles Lalo) در باب زیبایی‌شناسی را آن‌طور که خود می‌گوید، «به منظور توسعه معلومات ذوق دانشجویان رشته‌های هنرهای زیبا» ترجمه و تلخیص کرد (وزیری، ۱۳۶۳). او در سال ۱۳۰۴ برخی از این مباحث را در قالب چهار خطابه با عناوین «صنعت و اهمیت آن»، «موسیقی ایران»، «موسیقی معاصر و موسیقی جدید» و «تئاتر و کلیات صنعتی» در پایان سال تحصیلی دانش‌آموزان «مدرسه عالی موسیقی» ایراد، و سعید نفیسی نیز امکان انتشار آن‌ها را بوسیله مطبعه فاروس فراهم کرد (نفیسی، ۱۳۰۴).

۲ مهرداد پهلبد (عزت‌الله مین‌باشیان)، نوازنده ویلن و شوهر خواهر ارشد محمدرضا پهلوی بود. او به عنوان فرد مورد وثوق شاه از دولت حسنعلی منصور تا امیرعباس هویدا، پیاپی در سمت وزیر فرهنگ و هنر ابقاء شد. او برادر ارشد فتح‌الله مین‌باشیان بود.

۳ ریاست این اداره را غلامحسین مین‌باشیان برعهده داشت. او شاگرد آلفرد ژان باتیست لومر موسیقی‌دان فرانسوی بود که به دانشجویان موسیقی دارالفنون آموزش می‌داد. مدرسه‌ای که لومر برای تعلیم موزیکچی‌های ارتش بنیان گذاشت، پس از مرگ لومر به مین‌باشیان سپرده شد. این مدرسه نخست یکی از شعب دارالفنون بود و سپس جزء تشکیلات وزارت معارف شد (خالقی، ۱۳۷۸: ۲۲۱-۲۲۲). مین‌باشیان در همان زمان رئیس کمیسیون موسیقی سازمان پرورش افکار هم بود. در حکم ریاست او بر اداره موسیقی با امضای اسماعیل مرآت، یکی